

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامتلفی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳

شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۲۳

تک شماره ۴ ربال

آیا مجلس

روش خود را تغییر خواهد داد؟

تزلزل کابینه مدت پائنه، سقوط دولت نزدیک و بحرانی دیگر در پیش است.
این بحرانهای بی دریغ و بی دولت های موقتی معلوم نیست مارا بکجا خواهد گشاید.
در این موقع که تنوازه خلاصی بوجود آوردن دولت ثابت و قوی است ما همچنان در پی انتخاب زمانه داریم
میگویند پس از یکسال که تا بحال از هر مجلس چهاردهم گذشته: تازه و کلا باغلاق یکدیگر آشنا شده و تجاسی یافته اند و امید می رود که این آشنائی و تجاسی دولتی با دوام بوجود آرد.
بهر حال خواه تجاسی باشد و آشنائی، خواه لزوم رعایت حال مردم و خواه حفظ مصالح کشور، دیگر جای تردید نیست باید هر چه زودتر زمام امور بدست های توانا سپرده شود و از رجال صالح - یا گدا من و وطن پرست در این موقع دعوت نمایند. جلسیان بانصبی راسخ و آزان پشتیبانی کنند تا هابه باین اوضاع وقت بار و هربند ایبهودی خانه داده شود.

از دولتی لرزان که هر آن با نظر سقوط است، قومی نمیتوان داشت. دولتی که نیده اند تا دو روز دیگر سر نوشتش چیست قادر بانجام کار اساسی نخواهد بود. چنین دولتی هرگز نخواهد توانست دست بشر کبب این سازمانهای شکنیل بی معنا بزند. چنین دولت ضعیفی نمیتواند بوضع وقت با کارمندانش سروصورتی دهد و نمیتواند لکری بحال مردم بکند.

دولت ضعیف فقط خود را سرگرم کارهای بسیار ساده و عادی میکند. هیچگاه کوچکترین تصمیم نگیرد زیرا هر تصمیم ممکن است بان مخالفت هایی از مجلس مواجه شود و از بیم همین مخالفتهاست که تاکنون کار مفید متنی از دولتها دیده نشده و اگر استنادا اصل مفیدی انجام شده باشد تا بیل مجلس موجب آن بوده است. بنا بر این تا بیل مجلس و پشتیبانی آن تنها راه ایجاد قدرت برای دولت است. اگر مجلس بخواهد، بوجود آوردن دولت صالح، ا دوام و قوی آسان است و اگر نخواهد این وضعی است که می بینیم دولت ها می آیند و میروند بدون اینکه از این آمد و رفت نتیجه ای حاصل شود.

تزلزل دولتها و بر سر کار آمدن کابینه های موقتی به صلاح مملکت است و نه بحال ملت زیرا این دولت های دوروزه نمیتواند چرخهای مملکت را بچرکت آوردند و نمیتواند از دوش این ملت بیچاره سرباری بردارند بلکه بالعکس هرج و مرج بیشتری بوجود خواهد آمد زیرا دولت جدید تا بخواهد بکارها آشنا شود و خوب و بد را از هم تفکیک دهد سقوط میکند و بدین ترتیب اداره امور همیشه دردست همتانهای خواهد بود که خود بانی ناسود آشتگری اوضاع میکنند.

وقت آن رسیده که مجلسیان بنحود آتالی بدهند و بیش از این سر نوشت ما را بقضا و قدر نسپارند. دولتی صالح و قوی بر سر کار آورند، از آن جدآ

درود بر قربانیهای آزادی

و منرضین اند کی از اهتیا بیرون بیایند. خواهجوری جوان بیست ساله منصور و دانشجوی بیچاره بیگناه هدف تیرجهالت و خیانت شد و برای همیشه چلم از این محیط کتیب بر بست مادر داغ دیده اش یا خون جوانش خضاب کرد و هدف سرریزه شد و افتاد برای اینکه با این خونهای پاک تنه و عار را از صفحه تاریخ اجتنامی بشود. برای اینکه بانهاییکه با از گلیم خود بیرون گذاشته بود زکی و حسرت را به اینجا گشاید، انه که دکتر مصدق را دزد خطاب میکنند بگویند فضولی بس است حیا کنید جلالت اول این مقاله را در نظر بیاورید و بدانید که کت و کلاه این ملت گنده شده دیگر این دغه ملت با همتنهای آهنگ جواب خاتین را داده و دهن ناباک آنها را خورد خواهد کرد.

ای کسانیکه دکتر مصدق را غلانو دزد خوانده و بخود می بایدید اگر راست میگویند چرا روز ۱۵ اسفند فرار کرده بودید چرا مانند سایر نایبندگان حقیقی عرض اندام نکردید.

اگر راست میگویند و واقعا و کبیل ملت بودید چرا مانند مهندس فرهود -

دکتر معنی - دکتر غلقل فیروز آبادی و سایرین با وجود خطر جانی برای اسکان موضوع نیامد تا به پیشه ارزش ها در

میان ملت چیست و چه نحوی از هاید برای منبایند - اگر سرتیب گلدانهای تصور کرد با کشتن خواهجوری و چند نفر دیگر احساسات ملی را خاموش بفرماند سکنه اشباه کرده است دست جنال امامی بود که باوسیلی و داین دست ملت بود که این ادب را بگوش گلفشایان نواخت و البته ملت بیسین اکتفا کرده تا آخرین مرحله مسیبه این خونریزی بیانقب و تسلیم کبیل خواهد بود و بیبه خواهد فسانه که ایرانی خادم و غلانو را مهنساند و از خادمین خود لدر دانی و پشتیبانی کرده و غلانو را هم دیر و زود بکبیل اعمال خود خواهد رسانید

کلاه ایرانی را اگر بردارند خون سردی بخرج می دهند - پالتوش را در آورند سیر میکنند کتش را بکنند تحمل مینمایند اما هینکه دست بلباسی بر او برند دیگر طائفه طاق میشود و کلاه صبرش لبریز میگردد قوای خود را جمع کرده چنان محکم بر میفوزد غارتگر مینوازد که تلافی مافات بفرمود.

این مدعا باردیگر روز ۱۵ اسفند ماه ثابت در این روز مقدس که یکی از روزهای تاریخی ایران بوده و بدین زودی از صفحه تاریخ اجتنامی ایران محفوظ خواهد شد طرئه فاضله و مقدس ترین و پاکترین افراد این کشور احساسات بی آلاش خود را بروز دادند و با این احساسات پاک و نکاو همدرا بمرض ناپس گدا زدند که خاتین

پشتیبانی کنند، باصلاح کشور و اوضاع عمومی علاقه بیشتری نشان دهند، چند سیاسی از دویت و مصالحت بیا یکدیگر دست بردارند و متوجه این امر باشند که فعلا سر نوشت ملت در دست آنان است و افکار عامه آنان را مسئول تمام خرابکاریها میداند.

مردم بر طالت و بردبارنه ولی این بره باری حدی دارد. فعلا کارد با ستغوان رسیده اگر نایبندگان این مسائل را هوشی بیندارند و باز بخواهند بروی یکساله خود ادامه دهند پیش آمده های ناگواری و خ خواهد داد که جیرانش سالهای منهای کوشش لازم خواهد داشت.

و نیز لازم است آقا بان بان مسئله توجه کنند که تبه تبه تیرات متوالی دولتها و تفریح کردن با کابینه های دوروزه تنها احساساتی نیست که آزان در مردم تهران بپسند بلکه عکس العمل این اختلافات داخلی مجلس و این دسته بندیها در شهرستانها به هر اب خطرناکتر است.

در مجلس شورای ملی

در جلسه روز یکشنبه سیزدهم اسفند مجلس در اطراف پرونده آقای تدین وزیر سابق خواربار مذاکره‌ای بدل آمد و منجر باین شد که آقای دکتر صدق باحال اعتراض مجلس را ترک گفته برای اینکه خواننده گلن از جریان امر اطلاع حاصل نماید این است خلاصه‌ای از مذاکره‌ای که در مجلس در این باب بدل آمده و بالا درج میگردد

ابتدا آقای هجاب فردوسی بیاناتی نموده گفتند

و هکر لازم بوده است منتشر نگردد و این موضوع البته بوجوب قانونی است که برای خواربار تصویب شده در دوره گذشته و بوجوب آن قانون دولت اختیار دارد هر اقدامی را که صلاح باشد در مورد تأمین خواربار بکند و ایشان هم اگر اعلان مناقصه با مزایده منتشر نگردد اند تقصیری نگردد اند. اما از جهت اینکه دیگری پیشنهاد کرده است که من حاضر شکر کمتر بگیرم یعنی ۷۰ کیلو هکر بگیرم و بکنن کم بهم این صحیح ولی آقایان پرونده را ببینند اگر در مدتی که آقای تدین در تبریز بوده اند بلکه هیچ پیشنهادی بایشان رسیده است بنده حاضر هر چه آقایان بفرمایند قبول کنم؛ فقط چیزی که در پرونده منعکس است این است که آقای تدین در مومنی که تبریز در کمال تقصیر و سختی بوده است هیچ پیشنهادی فرستاده و فقط آقای امیر ایرانی در تحت امر او و الناس شخص آقای تدین در مومنی که در تبریز تقصیر و سختی بوده حاضر شده که این قرار داد را با او منصف بکنند. این صورت ظاهر است و در پرونده هم منعکس است بنابراین بنده صدق داشتم که این جهات را خدمت آقایان عرض کنم قاضی نباید تحت تأثیر احساسات قرار بگیرد و همانطور که ما شکایت داریم از دوره های گذشته که معاکم دستوری بوده است و ما مخالف آن دوره بوده ایم حالا اگر بخواهیم ما هم تحت تأثیر حب و بغض سیاسی آنها قرار بگیریم و رأی بدهیم دیگر چه شکایتی از آن دوره سابق باید داشت باقی هم دست دیگر که خیلی جالب توجه است این است که تصور مسکنه دو خارج که تمام اتهامات آقای تدین تحت رسیدگی قرار گرفته است در صورتیکه اینطور هست و اگر ایشان به ملیتی کرده اند در زمان تصدی وزارت خواربار شان آنها هنوز بجلس نیامده و مورد رسیدگی قرار نگرفته است لفظاً مسئله است و آن مسئله رفته ایشان چیزی و خرین خواربار است و اگر بنا بشود که آقای تدین را بخواهند معاکه بکنند زاجع بدوره های گذشته و کسی که ایشان در بین آن حکومت گذشته کرده اند و بنده اختیار بدهند که ایشان آدم خوبی هستند یا آدم بدی هستند بنده رأی میدهم که ایشان آدم بی هستند این نظر کلی ولی اگر خصوصیات هلیات ایشان را بخواهیم در نظر بگیریم و مورد تضاروت قرار بدهیم بنده عقیده ام این است که پرونده های احوال ایشان باید یکی یکی رسیدگی شود و در هر مورد بخصوص رأی جداگانه داده شود نه اینکه این نظر اینکه ایشان آدم بدی هستند بنده این نظر کلی را بایام در یک مورد بخصوصی که دلیل ندارد وارد کنم و رأی مخالف بدهم

آقای دکتر صدق فرجواب! بصورت اظهار داشتند
 البت آقای هجاب فردوسی در نظر دارند روزی که برای انتصاب کسی بیولی برای رسیدگی بکانون نایبندگان اینجا صحبت بود بنده ایشان را از روی عقیده من یکی از آن احساسی که باید انتصاب بعوده انتحاب کردم و نسبت بابقان کمال حسن ظن را داشته ام و حالا هم دارم ولی بنده آلا تا امروز هیچوقت مسووعات را مورد نظر قرار نداده ام و همیشه تأیید چیزی اطمینان حاصل نکرده ام آنرا نکتته از و تا بیک چیزی را لغو نم از امیده اتهامات آن بر آیم آن در جامعه اظهار کرده ام مجلس شورای ملی اگر بخواهد امتحان بکنند این دوسه آقای تدین را به مدتی بمنتظار کسی بیون دادگستری گذاشته ۱۵ روز هم در اختیار من بگذاره این که چیزی نیست تا من هم ندارم و بر خلاف قانون هم نیست چون غیر منکنت هم اقتضا میکند که ۱۵ دوسه را ۱۵ روز با اختیار من بگذاره من هم خادم این سلکت هستم نظری هم که ندارم من روی این دوسه یک نظری بدهم این هم پیشنهاد بنده است؛ بنده پیشنهاد میکنم که پرونده آقای تدین را سه روز با اختیار اینجانب بگذاره تا اگر از این مجلس قدم بکنم اگر آقایان صلاح میداند این دوسه را مرحمت کنند بنده اگر بنده به وزارت دارم و دیگر کارهای من رجوع نکنند و اگر خوب راجرت دارم آنوقت این جور قضایا با این جور دوسه ما را همیشه بنده رجوع کنید اگر چه عده ای از نایبندگان منصف بودند که هر وقت میتوانند و حق دارد که بیرونه ما مراجعه و رسیدگی کند و این حق است که دیگر احصایی؛ چاره و تصویب مجلس نداده میباشند آقای دکتر صدق اسرار داشتند که پیشنهاد ایشان را بکنند

حسب بخش شخصی را ورای خود و آینه بد و بنده مرتبیکه انتصاب هم در سو کی بیون ان سو کی بیون عبارت از سه نفر بوده بنده و دم و آقای فرهودی بودند و آقای لغات و سایر این مامه فر بنوان قاضی وقتیم در آنجا نشستم بنده مخصوصاً این دو ذولت را از این احوال قبول کردم که خیال کردم که در پرونده آقای تدین مسکن است یک دلایلی باشد که بنده هم بتوبه خودم رأی داده باشم و این خود دل مردم حقیت تسکین شده باشد و من هم شرکت کرده باشم ولی این پرونده را ساغوا سیم و همانطور که الا هم هست و آقایان دیگر هم مسکن است بخواهند در این پرونده هیچ دلیلی نیست البت من میدانم جمع قضیه چیست ایشان مسکن است بول هم گرفته باشند و تمام حرفهایی که میزنند راست باشند ولی بنده در پرونده دلیلی پیدا نکردم و این قطع حاصل کنم که ایشان بول گرفته اند آقای تدین الاسلامی آمده در کی بیون و ما از ایشان در اطراف این موضوع ذولت کردم گفته در تبریز میگویند که ایشان بول گرفته اند. سایر آقایان نباید گمان محترم آذربایجان که اینجا تشریف داشتند هیچ کدام تذکری ندادند و یک دلیلی هم که بنده را قانع کند در پرونده نبود. خلاصه در این پرونده هیچ دلیلی نیست و مخصوصاً بنده الا از آقایان بیکه تحت تأثیر احساسات هستند و میگویند که چاره رأی مخالف داده شده می خواهم استدعا بکنم که همتان و رأی مخالف بدهید و بگذاره این پرونده برود بدیوان کشور و بدیوان کشور باین موضوع رسیدگی بکنند و بنده بول میدهم که ایشان تبره خواهند شد و حتی آقای تدین هم خودش شاید راضی تر باشد که برود آنجا و معاکه بشود و تبره بشود برای اینکه اگر اینجا باشد مسکن است بگفته اند رفقا و دوستانی داشت است که برایش بکار عالی کرده اند و کت کرد اند و او را تبره کرده اند بنده تا یکدیگر میگویم که بنده از خبیث قضیه اطلاع ندارم و قاضی باید روی پرونده هر چه هست تضاروت بکنند. محکومیت ایشان این است که میگویند بول گرفته اند و ایشان اعلان مناقصه را معادی را که برای خرید گندم

در یکی از جلسات جناب آقای دکتر صدق فرمودند که کی بیون دادگستری بگوربر مجلس را تبره کرده است بنده چه کی بیون دادگستری هستم و بنابر این رطبیکه ماده ۱۰۹ حق دارم دفاع کنم و همتش هم این است که در آن جلسه که پرونده آقای تدین مطرح شده بنده در جلسه دوم دادگستری که بنده در مجلس مطرح شده است از اطراف و جوانب بین نظر داده شده است و این حرف گفته شده است که تو چاره رأی هم تعجب داده ای با آقای تدین فرق است بین مومنی که بنده بنوان قاضی انتحاب کردم و مومنی که در مجلس از احاطه پاسی و روی عقیده مرا کی بیون خودم باید رأی بدهم را سفاقت در مسکنه ما این او اثر تضاروت مردم بیشتر در روی مسووعاتشان قرار گرفته بعضی اینکه گفته میشود فلان آدم خود است همه میگویند دادگست و بعضی اینکه میگویند فلان آدم خوب است همه میگویند خوب است بدون اینکه این تضاروت روی تحقیر و مطالبه باشد و بنده خودم یک مثال می خواهم عرض کنم و آن این است که جناب آقای دکتر صدق بدون اینکه بنده این که پرونده امر را مطالعه فرموده باشم فرمودند یک وزیر مجلس را کی بیون دادگستری تبره کرده است. بنابر این ایشان هم سلطانیت تأثیر یک چیز هالی قرار گرفته اند که در روز نامه ها نوشته شده است «امروز تأثیر افکار و تأثیر این تبلیغات و مخصوصاً قسمت مطبوعات شهری است که حتی متفکرین و بزرگان هم تحت تأثیر مطبوعات قرار میگیرند، البت حالا بنده نمیگویم که تضاروت همه آنها فطرت است البت آنها هم گاهی تحت تأثیر حرفهایی که گفته میشود باها بمانی که هست واقع می شوند بلکه چیزهایی می بینند ولی آنها مسکن نیستند و رأیشان قسمی نیست و چون باید افکار عمومی را هدایت کنند هر چیزی که در نظر آنها تقریباً حقیقت دارد می بینند ولی البته هر مقام صلاحیت داری باید بروه دنبال موضوع و تطبیق بکنند و تطبیق بکنند بنده آن قضیه حقیقت داده باشم و حالا عرض بنده این است که این اشتراکات و شهادت را باید ملاک تضاروت قرار داد و قاضی باید حقیقت کار بگذاره و هر دو

اخبار داخه

ریاست هیئت نمایندگان ایران در الجمن سائفر انسیکو
 در جلسه هجدهم دنیای هیئت دولت موضوع انتخاب رئیس هیئت نمایندگان ایران در الجمن سان فرانسیسکو مطرح شد دولت بانگن اراء آقای موثقیان را انتخاب نمودند هر روز شنبه آقای بیات از ایشان ملاقات نموده و تا مدتی راجع به پذیرفتن مستثنوی با ایشان مذاکره نموده .

وزیر مختار سوئد
 آقای بانگر کاظمی (مهندس الدوله) پست وزیر مختار دولت ایران در سوئد منصوب شدند .

عزیمت باصهاران
 چون در اثر بروز اختلافاتی بین کارگران اصهاران سه روزه بیکر کشکابی میسر دولت در نظر گرفته است آقای نهیسی وزیر مشاور را برای رفع اختلافات حاصله بدانجا اعزام دارد .

احضار بطهران
 آقای وثوق السلطنه دادور استاد اسفان سوم بطهران احضار شده اند .

انتخاب هیئت نظارت اقتصادی
 آقایان نیرالدین پیرزاده - دکتر سیدرضی عید - دکتر ملکزاده و موسی هبانی از طرف آقای نخست وزیر پست عضویت هیئت نظارت اقتصادی منصوب و ابلاغ آنها صادر گردید .

دروازت دارائی
 وزارت دارائی تصمیم گرفته است که کلیه پیشکاران و روسای دارائی ولایات را تا اول فروردین ماه از محل مأموریتشان تئیر دهد بهیئت جهت آقای موری پیشکار دارائی فارس که اخیراً بطهران آمده بودند در نظر گرفته شده که ریاست دارائی استان آذربایجان را عهده داری نماید .

آقای ولی پور پیشکار دارائی اصهاران که از طرف وزارت دارائی احضار شده بودند بطهران وارد و فرار است مشاوران هم بر ریاست دارائی یکی از استان ها انتخاب کردند .

آقای مزبانه حکمت پست پیشکاری دارائی همدان انتخاب شده .

آقای دوزبه مدیر کل پیشکاران بردازی کل کشور منتقل و در آذربایجان بکار گردید .

آقای درتن می. کیبون پست ناظر مالی در بنگاه آهمن منصوب شده .

از طرف نخست کل پیشکاران هبانی و کاشانی مأمور توزیع کالایان اهدائی مهاباد و کشاورزان آن بخش شده اند .

در وزارت جنگ

آقای سرنسیب گلشایبان فرستاده نظامی تهران از کار برکنار و تا مابین تکلیف نظمی آقای سرهنک هیریس میده دار امور فرماندهی نظامی خواهند بود .

آقای سرهنک حارس برماندهی تئیر سبز معین شده .

آقای سرهنک صغریه بانده فرمانده تئیر سفز برماندهی تئیر کرمانشاه تئیر هتل یافتند .

آقای سرهنک شاهرشاهی پستاد ارتش منتقل شده .

آقای سرهنک موسی شاه تلی در و دیف انصران باز نشسته منظور گردیده .

آقای مصطفی مقدم بتصوب وزارت جنگ و فرمان هابولی بر ریاست بانک سپه منصوب شدند .

بر طبق دعوتیکه از طرف دولت فرانسه عمل آمده است هیئتی بر ریاست آقای سرتهیر رشاد جواد و عضویت آقایان سرهنک ستاد عبدالحمین سجادی سرهنک ستاد علی اصغر مزینی - سرهنک ستاد عالی اشرف مظهری و سرهنک دوم ستاد محمود امینی برای بازدید جبهه فرانسه فرانسه حرکت کرده این هیئت مدت یکماه در جبهه را بازدید و همپسان دولت فرانسه خواهند بود .

آقای سرهنک دیبوسی به دادستانی ارتش منصوب و بانگن آقای حسامی مظنیان نامه وزارت دادگستری مشغول مکنار شدند .

دروازت پیشه و هنر
 اداره نظارت بازرگانی از دست اقتصادی مجزا و ضمیمه وزارت پیشه و هنر گردید .

آقای مهندس محمود سرور شسته بر ریاست کارخانه نساجی هاشمی آقای حسن بیگدلی بر ریاست حسابداری کارخانه نساجی مس فنی آباد و آقای احمد سره بر ریاست حسابداری کارخانه حریر یالی چالوس منصوب شدند .

دروازت بهداری
 آقای آینه مدبر کل وزارت بهداری بر طبق حکم وزارتی منتظر خدمت شدند .

هر اجهت نمایندگان
 آقای ذوالقدر که در ماه قبل بشیراز مسارت کرده بودند بطهران مراجعت نمودند .

آقای شیخ الاسلام ملایری نامه در گروس که بقیات عالی مقرر شده بودند بطهران مراجعت کردند .

بخشدار کرد

اخبار خارجه

انجمن سائفر انسیکو

انجمن سائفر انسیکو بنظور ایجاد سازمان هومی بین المللی برای حفظ صلح جهان و امنیت بین المللی تشکیل میگردد برای حرکت در این انجمن برای دولت دعوت نامه فرستاده شده است .

رادیوی لندن خبر داد که دولتهای اسپانیا - سویس - برتغال و آذربایجان چون اعلان جنگ با آلمان و ژاپن ندهند اینچنین - سائفر انسیکو دعوت نشده اند .

دولتهای که از خاور میانه دعوت شده اند عبارتند از ایران - عراق - ترکیه - مصر و عربستان سعودی - سوریه و لبنان چون برای حرکت در انجمن سان فرانسیسکو دعوت نشده اند باید داشته اعتراضی ای به لندن - مسکو و واشنگتن فرستاده اند . گویا علت دعوت نشدن سوریه و لبنان این است که رعایت خاطر فرانسه عمل آمده باشد زیرا دولت اخیر برای خود در سوریه و لبنان حطولی قائل است .

غورای امنیت مرگ از ۱۱ عضو میاهد که پنج نمای آنها عضو دائمی خواهند بود . تصمیمات این غوراد صورتی قابل اجراء میباشد که از بازده نظر عضو دست کم هفت نفر آنها با آن تصمیم موافقت کرده باشند . اهم از اینکه این هیئت نظر از نمایندگان دول کوچک به اول معظم بمانند ولی دو مسائل بسیار مهم اختلاف آراء پنج عضو دائمی لازم خواهد بود .

قرارداد کنکره اتحادیه عرب منشور اتانازیه را که در تحت ۲۲ ماده است در تاریخ ۱۷ ماه مارس تصویب نماید تا در انجمن صلح سان فرانسیسکو کلیه نمایندگان حزب به سیاست مشترک را تصویب نمایند .

بپوهان میتوانند بطور غیر رسمی به نماینده در انجمن سائفر انسیکو داشته باشند .

از شماره آنها غلامه منیر بن اخبار هانگی چهار و اوضاع جنگ را باطلاع خوانندگان خواهیم رسانید .

چاپخانه کشاورزی تلفن ۷۸۷

آقای محمد حسن امامی آل آنا - بخشدار نظریه پست بهعهده داری کرده منصوب شدند .

در گروس

آقای اسد جهل امهرانی بسکطنه زمین و مبلغ جهل هزار و پانصد و پنجاه بنظور ساختن عمارت دبستان طرح شده اند . وزارت فرهنگ از این عمل غیر و فرهنگ پروردی اینان ندرمانی نموده است .

په آقای خلیل صبری

انگیزه طایفه نامه کوهستان

گفتم که بگوشت جو سنگی
بشتم روی دل به دیوار
ددم صفا مبرم انگرد
تو سنک در آوری بگفتار

سطور ذیل ناله سنگی است که طلوع
نامه اوجسته کوهستان بگفتار در آورده
او استدستی تصبیم گرفته بودم که دیگر
چیزی نویسم زیرا در محیط کنونی گذار
صدق اثر ندارد و راهشایی مادیانه
عکس نتیجه میدهد اما طایفه نامه گرامی
کوهستان و دعوت مدیر جوان دانشمند آن
و ادارم ساخت که پناه آرزوی دیرین خود
دور زمینه پوشان گردستان بیزهانی نویسم
باشد که برخلاف گذشته تاثری داشته و
فکر اصلاح طلبان آن سامان را بنکات
حساسی متوجه سازد - معیت ساز او شایع
اجتماعی ایران شروع میشود ایران آن
ایران باستانی که شمع عظمت و افتخار
و در زمان هخامنشیان و ساسانیان و
صفویان و ادر شاه افشار چشم جهانپایان
را غیره ساخته بود امروز با بیبودن سی
و شش سال حکومت مشروطه بدین حال
است که مریئیم - اکثر مردم فقیر - بسیار
و ترباکی مزایای اخلاقی رو بشکل پانده
صنعت و کشاورزی حاصل سقوط افتاده ادارات
و کارخانه های کشور بجای سود ریان
آور شده اند -

ایران کشور را که بگریه بگری
خوب فکر میکنند - گوینده خوب نویسنده
خوب و هاد و فعاش خوب هسته اما بطور
میشع هیچ فایده و اثر مطلوبی از اعمال
آنان عاید کشور نمیشود - باید دید علت
این امر چیست چرا ما آنکه همه در حد
خود بعدا درآمد میگویند و بنویسند
و انتقاد میکنند روز بروز کارها خرابتر
میشود عقیده من بر این است که غالباً
حسن نیت دوکار نیست آنچه گفت میشود
از روی ایمان بوده و آنچه عمل میشود
بنظور اغراض شخصی و منافع فردی است
اگر هر کس در حدود وظایف خود
فلسفی از هدهدهای خود را آید و مسامت
کشور و مصالح عالی سلطنت قرار دهد
فهرأ نتایج جزئی - بنم گردید درخشن
حیاتی ما جلوه گر خواهد شد متأسفانه تا
کنون اکثر مسئولین کارها منظور غائی
از تفکیکات را تفهیم نیدادند و ازین
کشور داری و رحمت پروردی بیخبر بوده
قوانین اغلب نسبت بضعا اجرا گشته
فرهنگ ما قطع نظر از آنکه برانه علمی
و متناسب با زندگی گذشته و تحسینات
یا اجتماع دو امر کاملاً متضاد بوده اند
اساساً مدارس بطیقه توانستند اختصاص
یافته و توانائی برداشت هزینه تحصیل از
توده ساکن بوده است -

ارتش که فاسد و من آن حفظ کرده
و نظور کشور از تجاوزات اجانب است در

انوس اوتنیکه خاطره این ملت بردبار مستند و خوش عقیده
که ربهدا و ایران و شاهنشاه بیچ چیز مستند نیستند و جز عبادت
و زراعت کاری ندارند و سر - نوشتی که جهل و طمع مأمورین برای
آن ها تهیه کرده از نظرم میکند و با او شاع کشور خودمان و دنیا
تطبیق میکنم گریه کلوبم را بگیرد ویر آنها بلکه برخلاف مصالح
سلطنت و منظور و منافع آنها خود این مقاصد را تهیه میکنند و
آفتاب و فتنه بر پا میسازد تا از آب گل آلود ماهی بگیرند لمن
و فرین میفرستم - اگر ما سادسته بودیم، اگر آتیه درخشانی
پیش داشتیم مأمورین و متصدیان امور ما عاقل و مودر اندیش و مستند
ببانی کشور بوده و بجای اینگونه اعمال که مخصوصاً بس از
تذکرات متوالیه بار ها تکرار کرده اند و اکنون و بعد
از این هم شاید از مبادرت پیمان خود داری نسایند
بنوسه مؤسسات فرهنگی میرداخته اند (فرهنگی که صل و
زندگانی را بیاموزد - صحت جسمانی و اخلاقی را نامین کند
شجاعت و مردانگی و غرور ملی را محسوس نماید - رواج سنت و
و غورنروت نتیجه دهد - وحدت ملی بار آورده) برخلاف گذشته حسن
تفاهم بین ملت و دستگاه حاکم ایجاد نمیکردند - مسائل توسعه
کشاورزی را فراهم میساختند - زندگانی را عاقلان که اینک چهره آفتاب
و خاکستر در تابستان و زمستان پوشش ندارد توجه نمینودند - آنها
را با حقون اجتماعی و مدنی خود آگاهی میدادند - شهرهای ویران
را آباد میکردند رونق و زیبایی میبخشیدند - وسایل زندگانی
طیقه سوم را فراهم میسودند و آنها را با دلیلی تمدن مربوط میساختند
آنوقت معلوم میشد که این توده لاین در امیشگاه سعادت و شمالی
ایران چه نقش مهمی بازی میکرد - باری اینک که بیاری ندانند
سبب آن فراوسیده که در دهها گفته شود و حقایق گوشه کردد امید
تست خدای ایران تیری دوطرفه فکر اولیاء امور داده آنان را دل -

فرد که برخلاف مصلحت کشور هر چه قدم بردارند - مأمورین نادان
و بی تجربه و استفاده بی را بسزای اعمال خود برسانند و با این حرکت
اوسالی که چه گذشته متوالی و مطالب و حسران سلطنت نتیجه ای
ندارد خانه بچشد - الهه مردم هم وظایفی دارند که در شماره های
بعد بآن اشاره خواهد شد -

آگهی حر و رات

بتاریخ ۱۲۲۲/۱۲/۱۲ - آگهی لواد (مرحاک امری)
بشناسنامه شماره ۲۶۵۸۳ باستاند یکبیرک گواهینامه و رونوشه
شناسنامه دادخواست بشماره ۲۰۲۵۸۱۲۳ داده باینکه مرحوم
حاجی عبدالرحیم (مرحاک امری) دارنده شناسنامه شماره ۲۶۵۷۸
در تاریخ بهمن ماه ۱۳۲۳ در تهران چاپکند هیچگی خود و فاب پانته
و متقاضی بر و بانوان حسن السلوک فرحناک امری بشناسنامه شماره
۲۶۵۸۰ و نضر اللوکه فرحناک امری شناسنامه شماره ۲۶۵۸۱ و
عزت اللوکه فرحناک امری بشناسنامه شماره ۲۶۵۸۲ دختران و بانو
لقا (فرحناک امری) بشناسنامه شماره ۲۶۵۷۹ زوج اولی و وراث
متضرعش میباشد - پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت
توالی ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از
روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین
آگهی و نبودن مترشی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر
کسی وصیت نامه از متوفی دارد فوطرف مدت موزور - براز و الا
هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری ایراز خود از درجه اعتبار ساقط
خواهد بود -

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - آگهی امری

قرن دهم پیش از میلاد پنگلر «مسی سورات» نام حروفی را بر طبق مضارع اجددی اختراع کرده و افکار خود را با آن حروف نوشته است بد غالب اگر ا هم با آن حروف کتابت کرده اند. و آن حروف که مشهور به حروف «مسی سوراتی» است، تقریباً شبیه به حروفی است که در قرن ششم میلادی اختراع شده است و آن را حروف اوستالی میگویند (اشکال حروف ماسی سوراتی در کتاب تاریخ مردوخ تالیف خود خیر ضبط و مرقوم است.)

تازدیک فجر اسلام حروف «مسی سوراتی» در میان اکراد مسول بود و در این حال خط یونانی و خط آرامی سر بانی را هم اکراد بکار میبردند.

چنانکه سه نفره اچاره طمه که در سال ۱۳۶۸ قمری هجری سید حسین ماسی از متوسین شیخ طلاه الدین در نواحی اورامان در میان یک غره برای اوزن پیدا کرده و بالاخره (رتان) مذکور توسط پروفسور «براون» بدست پروفسور «منس» متخصص خط و زبان یونانی رسیده.

یکی از آنها بزبان بیلوی و خط آرامی سر بانی است ۸۸ قبل از میلاد آن دورق دیگر یونانی است و هر دو یک مضمون هستند (سختان).

هر دو در زمان فرهاد چهارم (اسلاطین بارت) (اشکانیان) نوشته شده اند ۲۲ - ۲۱ قبل از میلاد.

این دو (دو) چنان گواهی دادند که در آن ایام منطقه اورامان مستند تحت حکومت ارمنستان «آرتا گیس» یا «آرتا گیس» بوده است.

حکمران اورامان هم «بسن» سوم بوده نسل هجدهم پس اول پسر اسفندیار اعلیبد سلسله سلاطین لورامان.

پس از غلبه اسلام حروف کردی ماضی و آرامی و یونانی یکی منورک بجای آنها حروف کوفی مرسوم گردید فرآینک خلا در دهکده «نکل» محال «کلانزان» مستند موجود است. و تاریخ آن قرن دوم هجری است بطح کوفی نوشته شده است. پس از آنکه خط «سنتلیق» دائره کرد و پارس هر دو منبر برات خود را با خط سنتلیق نوشته اند که کرد و پارس هر دو خط هم بدوش هدیکر رفته اند.

زبان کردی - بر طبق تحقیقات دکتر «سپازاد» طویف ارجه منظومه زاگروس پس اکراد قسمت ارارات که عبارت از کرد و لولو و کرد «گوتی» و کرد کاسو و کرد «هوریار» هستند هر یک دارای زبان مخصوص بوده اند ولی در این حال بهم دیگر نزدیک بوده اند. ماضی طویف اکراد امروز که هر چند شاخ و برهه کلمات متفاوت اند. اما اصول کلمات در زبان همه یکی است و نزدیک بهم اند.

تک فروشی نامه کوهستان
بنگاه پیادرو
چهار راه یوسف آباد

بنام آفای محمد مردوخ (آب دانه کردستانی) -۳-

کرد و کردستان

چون مقصود فقیر از عنوان «کرد و کردستان» در نامه کوهستان تقدیم یک تاریخچه منظمی است بنابرین مستر م. که هر کس شماره های آن نامه را مرتباً نگاهدارد دست آخر دارای یک تاریخچه منبسط کرد و کردستان خواهد بود بنابر این هر سه و واقعاتی که از مطبوعه صادر شود ما چاریم در شماره بعد اصلاح کنیم.

دوشماره «۲۶» این نامه صفحه پنجم ستون «۲۶» سطر «۱۱» درین کلمه «سپاه» و «پادشاه» جمله زیر تر شده است:

(تیسر روز «هرتل» جنگیده و بالاخره از سپاه لیسر هگست خورده. سپس در سال ۶۲۷ میلادی یوزبار دیگر تیسر روز علی الرهم «خسرو پرویز».

تصرف و اقتدار خود در آورد، و جزو مرکز موروثی پدزی و مادری خود نمود، سکه عبارت از لیسروین و دیوای خرد و خلیج پارس باشد - ووشام لغوات. همه چاره و وقت ایندویازو تاوانا همراه حکورش بود. هواره ایندو گروه بالاتفاق در کاب او جانیازی و فله کاری میکردند (نعت الازهره صفحه ۵۲)

ببارت منضم میتوان گفت. ماعطو که کله آب منی دیگری ندارد در یک حقیقت مر کبه از دو عنصر بسط و اکثین و دیدن بهین فراد کله ایران هم معنی دیگری ندارد جز یک حقیقت مر کبه از دو عنصر بسط «کرد» و «پارس» که وجود هر دو شرط تحقق معنی اهرانیت است. یعنی اگر کرد نباشد پارس همان پارس است. و کلمه «ایران» تنها بر پارس اطلاق نمیشود. بهمین ترتیب هم اگر پارس نباشد. اطلاق کلمه «ایران» بر تنها کرد غلط است اما هر دو که موجود و مجتمع باشند. اطلاق «ایران» بر هر دو درست است و هیچ مانعی ندارد.

دوشماره پیش رو شن شد که کرد و پارس دو برادر صمیمی بوده اند که همه جا با هم هفت اتصال داشته اند، مناسقات با این هفت اتصال در نتیجه خط و خطای «شاه اسمعیل» صفوی که در سال ۹۰۷ هجری از اراج وحدت اسلامی، بترسگاه تشیع و تسنن نزول نمود و برای یسرفت مقاصد شخصی خود مذهب تشیع را در ایران رسمیت داد و عنوان (عاشق) و (خاصه) در گیر شد و باین حسب قسمت همدان اکراد با هفت اتصالیکه با پارس داشتند از کله تشع که اجدات شاه اسمعیل بودند ستر شده از ایران مجزی و بدولت ترکیه که در آن هنگام «دولت عثمانی» میگفتند منطبق شده. که در نتیجه عهد غلط بزرگ هگست تاریخ (چالدران) در سال ۹۲۰ هجری وارد سپاه صفویه گردید. مورخین ترک این هگست تاریخ را «کلبه» بلوز ترک عثمانی در آسیای وسطی نوشته اند. اخیراً دولت ترکیه آن قسمت اسکراد را که بان دولت منطبق نفعه بودند، در مقابل نظریاتی که راجع بایران داشت مانع بزرگی مشاهده کرده بهر وسیله در صدد رفع این مانع برآمده، سوء مساملات ترکیه با اسکراد طرفدار ایران در گیر شد (تاریخ دولیا چلی)

از زمان کبشرو کبیر (سیروس اعظم) چوناً زمین شاه اسمعیل صفوی، اسکراد جزو ایران بوده اند. و دولت فرماندهی پادشاه ایران بر سر داشته. و بهیچوجه تابع دولت ترکیه نبوده اند (فتوحات اسلامی جلد دوم صفحه ۱۲۲ - کورش کبیر پانگاه این مورخه فیور پسینی «ماد و پارس» و پشتبانی این ملت سلطنتور که بنزله و بازوی قوی، دیوال رسا برای کورش بودند نیالات جهانگیرانه خود را ادامه داده. تحریک تا رود «هالیس» پسینی قول اهرمان هررقا تا سلورای رود «سجون» را بنوه ایندو مصر هشتاد پدزی و مادری خود پس از نلی «ماد و پارس» حسیطه

(خط کردی) - کردها دارای خط مخصوصی بوده اند هنگام ایجاد میخی کردها و پارسها مردو بالاتفاق تحریرات خود را با خط میخی نوشته اند و نه که «منویسند اگر کتیبه هالی از کرد بدست بیاید تصور میروود که از خط و زبان همین کتیبه های هالمان همانندی باشد - (تشیبات تاریخی راجع بایران قدیم) - در کتاب (هون السیام) دو معرفت رموز اقلام تالیف احمد ابن امی بکرین وحیفه. نطنی کدانی مذکور است که در - و د

در مجلس شورای ملی

بیانه

مهندسین و استادان دانشگاه

دکتر مصدق مردی وطن پرست و علاقه مند به آزادی و ترقی ایران از راه اصلاحات منوی و رفع مفاسد میباشد.

اعضاء کنندگان زیر با ایشان به بیخوشی و خیرخواهی ایشان از اظهارات ناروا و توهین آمیز بکه اخیراً بوسیله چند تن از نمایندگان مجلس شورای ملی نسبت بایشان شده است بدینوسیله تاسف و ابراز خود را ابراز میدارند.

دکتر یحیی سبحانی - دکتر ابوالحسن شیخ - دکتر مصدق حسینی - دکتر ابوالقاسم غفاری - دکتر علی دودان - دکتر کمال جنب - دکتر علی اکبر برین - دکتر علی اصغر آزاد - دکتر ضیاء اسدین یکی - دکتر فریدون فرهاد - دکتر اسحاق زاهدی - دکتر احمد وزیری - مهندس مرعشی - مهندس ابوالقاسم مهرانقلی - مهندس مرتضی مصور رحمانی - حسین رازانی - ابوالقاسم میرافشاری - مهندس مرادپان - مهندس رازانی - مهندس حسینی - دکتر محمد پیرزاده - مهندس اکبر فرزند کرلو - دکتر کمال مصطفوی - دکتر علی اکبر توسلی - مهندس علی اکبر سبحانی - مهندس ابوالفتح کمالی بیگ - مهندس بابور مهندس معینی - مهندس طالب زاده - دکتر عبدالعزیز شیخ - دکتر مهدی مفعم جلالی - دکتر عبدالرسول دیر - دکتر عباس مشندی - دکتر ادیب - مهندس ذبیح الله دیر - دکتر مصطفی فاطمی - دکتر میر دامادی - دکتر محمد رضا مظفری - هادی رهنما - مهندس مظفری - دکتر احمد شفائی - دکتر عزت الله شبیری - دکتر غلامرضا وادرن - مصدق باقر مصدوبیان -

طباطبائی - مع در آئین مع صحت کردم بایشان نادبانه ازاره کرده ام و منوایم بگویم که آقایان شاد کتر مستبد هفتاد سال از سن شریفان گذشته آخر آلتاجاج پیشنهاد راجع بیک موضوعی باید کرد که مورد بحث است و چه دستور است آخر اینچاه مطرح است که بقوه پیشنهادی کرده ببلایه مگر ما الزام داریم که هر وقت و با پس که چنانچه بنویسه و از دماغ صیب و لریم چنانچه بیرون میآید گوش کنیم (حاذقی - آخر آقای هاشم و عیادت ادب را بکنید) آقایان ببینید این خودش استبداد است پاپست که به لگرم که از یک دماغی بیرون میآید این را بخواهند تحصیل کنند یکمکتبه صد سئ نفی بر خلاف قانون و ترتیب و نظامنامه علی ای حال بنده را آقای رئیس درخواست میکنند که بر طبق نظامنامه اظهار راه مودت کنند و بازخواست کنند و معاکه کنند در قانون مجازات برای این قبیل بی ادبی ها آنها نسبت بقوه مقننه سلکت تکلیف مین کرده و باید ایشان را مورد تعقیب قرار بدهد و البته بنده خاطر جمع هستم که ایشان هر وقت بی عمل باشند دیگر باین مجلس تخریف نخواهند آورد .

رئیس مجلس - بنده مجبورم که مطابق نظامنامه و تقاضای کم همانطور که عرض کردم بایشان کلام که این مطلب مطرح نیست و بهبود پیشنهادی کرد و بر خلاف سابقه هم هست و اگر ایشان بطور طرح پیشنهاد میکنند سکین بود رأی گرفته بنده بایشان گفتن ولی ایشان توجه فرمودند بنده که نمیتوانم بر خلاف نظامنامه و بی فایده رفتار کنم چون آن پیشنهاد ایشان تکراریم ایشان صعبانی دهند .

اقبال - چرا جلوشان را تکرار کنید. توفیقشان نکرده ای فهدو آبی - بنده هم بخواهم عرض کنم که آقای دودان کتر مصدق بسیار آدم درستی است صعبانی شدند .

و نوشته اند و بدون نتیجه در اینجا میاورند و میخوانند ما بایشی گوش کنیم چرا این کار کردیم چرا اینها مسامحه و رعایت را دو حق ایشان نبودیم برای اینکه همه مستمعینم باینکه اینجا مجلس شورای ملی است و نمایندگان از آن هستند و میخوانیم همه آزادباشند و همه پرور باشند باز باده برای هر کس صحبت البته در حدود مقررات و مصالح کشور گفتیم آقای دودان مصدق است سابقاً و زهر بود و از رجال مسر سلکت مسامحه ما احترام کردیم بایشان حرف زدیم و حال من می فهمم که دو مسائل سیاسی و دو مسائل سلکتی بیچوجه نباید اغماش کرد و باید چه می بود ما اگر از رزاول جلو ایشان را میگردیم و لیکن گفتیم که ایشان این پرت و بلایا بگویند (حاذقی هاشم و عیادت ادب و احترام را بکنید) امروز کار باینجا نرسید که ایشان بک مجلس را که بر ریاست آقای سید محمد صادق طباطبائی است بگویند دزد گناه است و خودشان هم در این دزد گناه کت کرده باشند و حقوق گرفت باهنه و از مزایای آن استفاده کرده باهنه (فرمودی - بنفعل استگنان (حاذقی - آخر هاشم رعایت احترام را بکنید) بنده میگویم عرض این مجلس هستم و بکنند روزنامه نویس این سلکت هستم تمام سن جوانی من یعنی از رفیق از معونه بیرون رفت ام تا حال در سیاست هستم و روزنامه نویس این سلکت هستم بکنده شاه ندارم در اینجا من نیست ام و این آدم و قبح اینجا را دزد گناه خطاب میکنند (حاذقی - خودتان چرا اینقدر بی ادبی میکنید) انوسوم که بصاب اعماس در این سلکت رسیدگی بشود تا معلوم شود که دزد کیست و چکاره است و بطور ظل حوام را میخواهد بدزد علی ای حال همه آقایان متاثرند علاوه بر اینکه خودم دو سه بوم همه آقایان بن گفته و از من خواستند که من این اظهار را نسبت بکنم که خود ایشان کارشان خرابتر از دزد هائی است نه خیال میکنند بهر حال اینجا مجلس شورای ملی است و اگر ما احترام بقوه مقننه سلکت را که حکومت میکند سلکت رعایت کنیم و بیاییم .

فیروز آبادی - آخر آقایان آدم دوستی هستند در اینجا صعبانی شدند .

بینه از صحنه ۲
در این موقع آقای دکتر شفق اظهار داشتند که کیسیون عدلیه تکلف است همه قسم تحقیقات لازم را از مراجع باسناد و مدارک پرونده بکنند این کیسیون تحقیقات لازم را نکرده است ما میخواهیم بگویم کیسیون باید تحقیقات لازم را بکنند
آقای دودان مصدق گفتند اگر به پیشنهاد من رأی نگردد من دیگر در این مجلس نریسم
در این هنگام ام جلات زنده ای از طرف و کلاه دد و پهل شد
فرمودی - بیشتر برو
جواد مصدوقی - برو آلتا
دکتر مصدق - اینجا مجلس است اینجا دزد گناه است (همه نمایندگان دو گرفتند)
اقبال - دزد خودت هستی
مصدقی - توهین میکنی
در این موقع آقای دکتر مصدق با حال تعرض از مجلس خارج شدند
پس از خارج شدن ایشان چند نفر از و کلا در اطراف اظهارات آقای دکتر مصدق بیاناتی ایراد کردند
هاشمی - بنده میخواستم عرض کنم که بموجب صریح نظامنامه آقای دکتر مصدق بنام افراد مجلس بدون هیچ مجوزی توهین کردند
ملک مدنی - آقای رئیس چرا شما جلو گوی نکرده مگر ما دزد هستیم که اینجا جمع شده ایم چه مناسبت آقای دکتر مصدق توهین میکنند و شما ساکت می نشینید .
سید محمد طباطبائی - بنظر من آقای دکتر مصدق از حلم و حوصله و کدشها بیکه آقایان در موارد عده نسبت بایشان کرده اند سواستفاده میکنند ایشان اکثر ملاحظه فرموده اید بر خلاف ترتیب و بر خلاف نظامنامه بچه های من در آورده و صیب و لریم و بله پرت و بلا هائی را اینجا مطرح کردند و پیشنهاد کردند و ما تحمل کردیم حتی این کتابهایی (بقول آقای طوسی) که در روزنامه هاستانسانه بیرون میاید لظن آقای دکتر مصدق لظن آقای دکتر مصدق مردمی که بیرون هستند نباید که ما بچه صعبیتی گرفتار کنیم و این کتابی که در مدت ۱۵ روز ۲۰ روز مطالعه کرده

بنام دکتر هوشنگ ظلی

آبله

دوست محترم آقای دکتر اسمعیل اردلان مدیر نامه کوهستان شماره اول گرامی نامه کوهستان را زیارت کردم. از اینکه یکی از جوانان ماضی و تحصیل کرده کشور با انجام خدمات اجتماعی بزرگی کمر همت بسته و می خواهد حتی القدر و بانقرض و چند دست کی سکه بنیان آن بادیستهای بلیدی گذاشته میشود مبارزه نماید بسیار خوشوقت شدم. از خداوند معالی تسلیت منیدایم که خداوند این مهم موفق به ادا کرد.

اینجانب مستقیم که مطبوعات مخصوصا در کشور ما وظایف بسیار سنگینی دارند زیرا علاوه بر تنوع افکار عامه از نظر اجتماعی و فرهنگی و هدایت مردم برای صواب و غلطی دیگری نیز بر عهده دارند که از آن جمله آشنا ساختن مردم است با اصول بهداشتی زیرا برای بالا بردن سطح علمی و فرهنگی برای موفقیت در پیشرفت کشاورزی و صنایع و سایر امور کشور شرط اول داشتن افراد سالم است و الا از صلاح و اضرار علیل، از سنیتگر ناتوان و از ملغم رنجور و محصل کم خون انتظار موفقیت داشتن بیوده است و این منظور حاصل نخواهد شد مگر اینکه مردم به عوامل مرض و طرق جلوگیری از ابتلا به بیماریهای مختلف آشنا شوند. اینست که از موقع استفاده نوده تا آنجا که فرصت اجازه دهد سعی خواهد نمود در شماره های نامه کوهستان مباحث بهداشتی را مطرح نماید. باشد که این مختصر خدمت برای هم میهمان مفید باشد.

بیماری را که امروز مورد بحث قرار میدهد. بیماری آبله است این بیماری یکی از بلاهای خاناسوز است و متأسفانه در شهرها و دهان تقریباً بطور

دائم وجود دارد و از لحاظ خطری که پیوسته از این بیماری متوجه افراد میشود اطلاعاتی در این باب برای عموم ضروری بنظر میرسد لذا سعی میکنم مختصراً از آنرا ذیلاً باطلاع خوانندگان برسانم.

از سه هزار سال قبل این بیماری در چین و هندوستان شایع بود و آن را میخانختند پس از آن تدریجاً با قشون کشیها و مسافرتین به سراسر میانهمصر - اروپا و پس از آن با آمریکا برده شد.

پیش گیری از این بیماری بوسیله ملامت و ناقص از همان زمان در چین و ایران مرسوم بود و در قرن هجدهم یک خانم انگلیسی این طریقه را در اروپا نیز متداول ساخت و تدریجاً روبه کامل رفت تا بر سر راه امروز رسیده.

سیر مرض پنج دوره مختلف دارد. دوره اول که از ابتدای آلودگی تا بروز ملامت یعنی شروع ظاهری مرض است از یک تا دو هفته طول میکشد. دوره دوم که بالوز و ظهور تب مشخص میشود طول آن تا سه روز است سوم تا چهارم دوره سوم با بنورات جلدی ظاهر میگردد که ابتدا از صورت و اطراف سوراخهای بینی و دهان و غیره شروع و تدریجاً گردن، سینه، اعضای عالی و بالاخره پاها را فرا میگیرد و تا روزهای هفتم و هشتم ادامه دارد این بنورات در ابتدا بشکل لکه های قرمز ساده ای هستند که با فشار انگشت از بین میروند ولی تدریجاً بر آمدگی پیدا کرده بسایر جبهه های تبدیل میشود که در داخل آن مقداری مایع زرد رنگ جمع میشود. بالاخره مایع مزبور کم کم چرکی شده و پش از ترکیدن حبابچه خارج میشود. در این موقع مرحله دوره چهارم هم رخانه یافته است پس از آن غشاء خارجی حبابچه ها خشک شده و قشرهای تشکیل میگردد که دوره آخری بیماری است.

آبله

یکی از خطرناکترین بیماریهاست
اطفال و خود را بوسیله مایه کوبی
از این خطر مصون بدارید.

طرق سرایت - در قرن وسطی آبله را یکی از بلیات

بشری میدانستند سرایت آن از بیمار مبتلا بآبله بوسیله مختلف انجام میشد. انتشار مرض با اندازه ای شدید است که حتی عبور از یک اطاق بسیار آبله ای سبب ابتلا میگردد. جنازه مبتلایان در جریبان مراسم کفن و دفن و تشییع مسکن است اسباب سرایت گردد. خطرناک ترین وسیله سرایت که اغلب کمتر بآن توجه میشود البته و اشباع آلوده بباران مبتلا میباشد بطوری که گاهی اشباع بیماری از کهنه قروغان و امثال آنها شروع میشود منجمله تا بحال چندین مرتبه در اروپا در کارخانه های کاغذسازی و پارچه بافی بین عملیات ظاهر گردیده است.

در انتشار بیماری مگس را که حامل خطرناکی است نباید فراموش کرد.

آبله در تمام مراحل مختلف بیماری حتی قبل از ظهور علامت مسری بوده و سرایت از راه جهاز تنفسی و حاضیه انجام میگردد. انسان در تمام سنین عمر ممکن است باین بیماری دچار شود حتی در زندگی جنسی ابتلاء مشاهده گردیده است.

یکصد ابتلا برای مدت عبر مصونیت میدهد لیکن استثناء چند مورد ابتلا میدهد شده است.

طرق و وسایل جلوگیری - نظر باینکه سرایت مرض فوق العاده شدید میباشد مبارزه با بیماری نیز باید بهمان نسبت با همت انجام شود. علاوه بر وظیفه ای که پزشکان از اطلاع دادن وجود بیماری به مقامات مربوطه دارند افراد نیز بایستی فرد فرد مراقبت کامل بعمل آورند.

اطفال در ماه دوم تولد بدون استثناء بایستی بر ضد این بیماری مایه کوبی شوند (در صورت مایه کوبی نکردن و ابتلا طفل والدین بموجب قانون قابل تعقیب میباشد) حداکثر مدت مصونیت پس از تزریق بین ۷ و چهار سال میباشد ولی در نقاطی که آبله بطور بومی وجود دارد میتوان احتیاطاً سه ساله تلقیح را تجدید نمود. بخصوص در موقتی که بیماری شیوع دارد کلیه افراد اعم از بیرون جوان با طفل بایستی مایه کوبی شوند.

این بود وسیله جلوگیری از ابتلاء، لیکن وسایل دیگری نیز بایستی در موقع ظهور مرض از طرف بیمار و کسان او مراعات شود: ۱- بعضی مشاهده بیماری باید شخص مبتلا از تماس با اشخاص دیگر محروم و پرستاران او هم از آمیزش با دیگران حتی القدر خودداری گشته تا بدون وسیله تا حدی از سرایت سایرین جلوگیری شود.

۲- هیچ وقت به بیمار اجازه داده نشود که قبل از چهل روز از شروع مرض و بدون استحمام قبلی که نتیجه آن از بین بردن پوست پوسته های جلدی میباشد با اشخاص دیگر معاشرت نماید.

۳- در صورت مشاهده بیماری بلافاصله به نزدیکترین پست یا سامو بیماری مراجعه و اطرا تئین را بر ضد این بیماری مایه کوبی نماید.

۴- اطفال را در سن دو ماهگی بر ضد آبله تلقیح نموده و این عمل را هر ۶ سال یکبار تکرار نمایند.

آگهی ضروریات

تاریخ ۱۳۱۳/۱۲/۱۲ - آقای امیر محسن (مولوی) بشناسنامه شماره ۱۹۹۱ باستاد پیکربک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۰۹۹۱۲۳/۲۰۹۹۱۲۳. با اینکه مرحومه بانو نضرالنج مولوی دارنده شناسنامه شماره ۱۹۹۲ در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۲۳ در تهران چاپگاه هبشگی خود وفات یافته و متقاضی پسر و آقای مصطفی مولوی شوهر و بانو فخرایران کلانتری دختر حنولفا و درات منصرف میباشد. پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه اوبه ماهی یکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و یکی از روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن سه ماه از نشر اولین آگهی و نبودن مرض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وجهت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت سه روز ابراز الایحه و وصیت نامه فبراز رسمی و سری ابراز شود از وجه اعتبار ساقط خواهد بود.

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی اهری

اوبه اول

سرتیب هوشمند افشار در کردستان چه میکند ؟

ماتوجه ستاد ارتش را به وضعیت سرتیب هوشمند افشار فرمانده لشکر کردستان جلب میکنیم و انتظار داریم با اطلاع کاملی که ستاد ارتش از عملیات او دارد و با در نظر گرفتن اظهارات دولت در مجلس هر چه زودتر تکلیف او را یکسر کرده همانطوریکه سز را از سر سرهنگ بایندر خلاص نموده کردستان را هم از وجود سرتیب هوشمند افشار پاک کند .

از مقالات وارده

آقای ت. امینان مقاله مفصلی تحت عنوان « قرنهای يك اشتباه كوچك باعث اختلافی بزرگی شده است » نوشته در این مسائل مذهبی را مفصلاً مورد بحث قرار داده چنین نتیجه گرفته اند که برای ایجاد تفرقه و دویت اختلافات مذهبی بوجود آورده اند و یادوری در این راه بیافیه نبوده اند و بقدری دست به امان خرافات غده اند که دور برادر که دارای يك خون و يك مذهب هستند عداوت شدیدی نسبت بیکدیگر پیدا کرده اند.

و در آخر مقاله خود می نویسد . لازم است در این موقع تنگ و لوابنکه بطور موقت هم باشد اختلاف و دودستگی را کنار گذاشته ایام ملیت بیوانی که در راه داریم حله و رنده آنها را از پیش پا برداریم و در راه آزادی و عظمت کشور قدم بگذاریم .

مقاله آقای امینان که تراوش احساسات و روح میهن پرستانه بود ما را بسی امیدوار ساخت . امید داریم این خود وطن پرستی و سرمدوم جوانان ما باشد زیرا فقط در سایه چنین احساساتی است که میتوان مجتماً بطرف هدف عالی تعظمت ایران ، پیش رفت .

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالیانه ۲۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نیفود و اداره روزنامه در درج

یا حاک و اصلاح آنها آراه است

محل اداره : خیابان پهلوی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ بیانشه

فرمانده تیب سز
هدایات بی رویه فرمانده تیب سز
مغموساً سوء سیاست او باعث شد که
از این پست برکنار شود . اصرار فرمانده
لشکر کردستان ب منظور تسخیل نظر بان خود
در نگهبانی او پیمان ست ، بی نتیجه
مانه زیرا ستاد ارتش پس از تحقیقات
او را شایسته فرماندهی تیب این منطقه
نداشت
طبق اطلاعی که حامل غده آقای
سرهنگ سارمی که از افسران قدس زاندر امری
هستند برای این پست در نظر گرفته
شده اند .

ما اگر چه هنوز تحقیقات کامل از
ضیت فرمانده تیب جدید ننموده ایم
ولی انتظار داریم این انتخاب و حسن انتخاب
باشد و ستاد ارتش ایشان را یکی از
بهترین افسران خود بداند و از این نظر
ایشان را باین پست برگزیده باشد .
بدین است ما هم سعی خواهیم کرد
اطلاعاتی را جمع و ایشان بدست آورده
خوانندگان را مستحضر سازیم

های جنب مجلس بردند آقایان و کتر مذهبی
و مهندس فریور مردی را به آرایش دهن
نموده سعی کرده تاحدی مردم متفرق
شوند و آقای دکتر مصدق را در حالی که
بیپوش بودند به بهداری مجلس آوردند
تا ایشان را بیپوش آورده .
در نتیجه این اوضاع و تیراندازی
سربازان آقای خواجه نوری دانشجوی دانشکده
که در ایوان مقابل مجلس مفلول تماشا
بوده هدف کلوله قرار گرفته افتاد و در
حینی که او را به بیمار خان می بردند فوت
گرد چند نفر دیگر هم زسی شدند .

آقای مرآت اسفند پاری نایبند مجلس
سرس شکاف برداشت .

آقای جمال امامی از جلسه مجلس
خارج شده هبتکه به سرتیب گلشایبان
فرمانده نظامی رسیده پس از آن از گفتن
که چرا بر دم تیراندازی شده او را
سلی زد .

آقای دکتر مصدق پس از اینکه بیپوش
آمد از دو دیگر مجلس خارج شده نایبندگان
متفرق و جلسه مجلس تشکیل نشد سر لشکر
ارفع رئیس ستاد ارتش بلافاصله مجلس
آمده به سرتیب گلشایبان تفریر کرد سکه
وجود اینکه اکیداً قدفن شده از استعمال
اسلحه بر علیه نمایش دهنندگان خودداری
شود چه علت تیراندازی شده است .
فرمانده نظامی متفرق گشت و کم کم
مردم متفرق شدند .

اعلامیه های زیاد از طرف احزاب و
دستجات مختلف دایر بر پشتیبانی از آقای
دکتر مصدق صادر و در طهران منتشر شد .

پانزدهم آصفند

پس از اینکه آقای . کتر مصدق در
نتیجه مذاکرات روز یکشنبه از مجلس عنوان
اعتراف و غیر خارج گشت و جریان مذاکرات
این جلسه مجلس بوسیله روزنامه ها با اطلاع
مردم رسید هر کسی به نحوی تبیر کرد و
روزنامه ها نظریات خود را در این باره
طی مقالات عده منتشر ساختند . گذشته
از چند روز نامه که به مخالفت آقای دکتر
مصدق مقالاتی نوشتند و از کله دوزد گاه
که ایشان گفته بودند ایراد گرفتند و
خوشاودنی و نسبت بانست و وزیر اعلی
پشتیبانی آقای دکتر از کابینه قله داد کردند
بچه جراید باینست از ایشان پشتیبانی
نمودند .

طبقه روشنفکر و اصلاح طلب بطور
کلی دکتر مصدق را دوست میدارند و او
را نماینده واقعی ملت میدانند گفته های
او را انکاس انکار خود و پیشهادات او را
پیشهادانی از روی وطن خواهی و میهن
دوستی میدانند و از اینکه در مجلس توهینی
بایشان وارد آمده سخت متاثر گشتند .

هدای متفقدند که گفته های توهین
آمیز و نطرازا نمایندگان بنظور عصبانی
ساختن آقای دکتر مصدق بوده و میخواستند
بدین وسیله ایشان را از مجلس متفرق سازند
تا کنار بروند و میدان را برای رندان خالی
بگذارند بهر حال ایشان عصبانی شدند
مجلس را ترک گفتند و بنزل خود رفتند
و روز پانزدهم اسفند هدای از دانشجویان
دانشکده حقوق در دانشگاه جمع شدند
لطق های متعدد کردند و تصمیم گرفتند
بروند و آقای دکتر مصدق را به مجلس ببرند
و نگذارند ایشان در تصمیم خود دایر به ترک
مجلس باقی بمانند .

باین تصمیم دانشجویان حرکت نموده
بنزل آقای دکتر مصدق رفتند ایشان را
دوالتوبیل سوار کرده خود پیاده در
حالی که اتوبیل به آهستگی بطرف بهارستان
پیش میرفت همراه بودند .

در نزدیکی مجلس آقای دکتر را
از اتوبیل پیاده کرده روی دست گذارند
و بطرف در مجلس پیش رفتند . مأمورین
عظامی نگهبان مجلس که نزدیک شدن
چشمه را دیده در مجلس را بست و سعی
کردند از ورود مردم جلوگیری کنند در
این هنگام نایبندگان در جلسه خصصری
بودند هبتکه از اخیر از دم و آوردن آقای
دکتر مصدق مجلس مطاع گردیده چند
هزار و کلارا مین نبودند که بروند و آقای
دکتر را به مجلس بیاورند . در همین موقع
یکسریه هدای طلبک بلند شد آقای دکتر
مصدق که در روی دست داشت بویان بودند
بیپوش شدند ایشان را ناچار یکی از کهن